

شرط مهارت و سرمایه فردی

اصل و شرح

توانایی جامعه مددجویان بهزیستی برای اشتغال، کمتر از دیگران است. با وجود معافیت‌های بیمه کارفرمایی، بیمه خویش فرمای، پرداخت حق کارایی و همچنین تسهیلات ویژه برای کارگاه‌های با بیش از ۲۰ نفر از افراد دارای

معلولیت. کارفرمایان همچنان به کارگیری معلولان استقبال نمی‌کنند. آرزو کابیری، رئیس مرکز توسعه کار آفرینی، اشتغال و توانمندسازی بهزیستی در این باره به همشهری می‌گوید: «نداشتن مهارت‌های فردی و دانش لازم و همچنین سرمایه اولیه، موانع اصلی برای خود اشتغالی مددجویان هستند. البته در سال‌های اخیر بهزیستی با همکاری سازمان فنی و حرفه‌ای اقداماتی در زمینه

متولدان مهر ۱۳۹۸ تا مهر ۱۳۹۹ دانش آموز می‌شوند

شروع ثبت نام کلاس اولی‌ها از هفته آینده

جامعه بدیا

اگرچه شرایط جنگی تاحدی وجود دارد، امسال نیز مانند سال‌های قبل ثبت نام دانش آموزان پایه اول ابتدایی از روز اول خرداد آغاز می‌شود. روند ثبت نام نیز مانند سال‌های پیش انجام می‌گیرد و دانش آموزان ورودی پایه اول باید تمام سنجش‌ها و آزمون‌های ورودی را طی کنند و پرونده سلامت تشکیل دهند. علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش نیز در این باره گفت: «سنجش سلامت جسمی و روانی کودکان در آستانه ورود به مدرسه اکنون به پوشش صددرصدی رسیده است». نواز نواز متولد دوم مهر ۱۳۹۸ تا اول مهر ۱۳۹۹ می‌تواند در پایه اول دبستان ثبت نام کند و الزامی به ارائه گواهی پیش دبستان برای نام نویسی وجود ندارد. به گفته سخنگوی وزارت آموزش و پرورش، توزیع مدارس دولتی در مناطق مختلف کشور و ظرفیت آنها برای پذیرش دانش آموزان کافی است. علی فرهادی تأکید کرده است که پذیرش مدارس دولتی در حوزه جغرافیایی محل سکونت اولیا انجام می‌شود. رضوان حکیم زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش پیش‌بینی کرده است که امسال یک میلیون و ۱۸۷ هزار دانش آموز کلاس اولی در مدارس ثبت نام کنند. این رقم کمی کمتر از تعداد دانش آموزان کلاس اولی سال گذشته است که نشان دهنده کاهش اندکی در میزان ورودی مدارس ایران است.

یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر دانش آموزان کلاس اولی

۸ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر دانش آموزان پایه دوره ابتدایی

۲۹۰ هزار نفر معلمان دوره ابتدایی در حال تدریس

۷۰ هزار مدرسه واحدهای آموزشی مقطع ابتدایی در کشور

۳۵۰ هزار کلاس کلاس‌های مقطع ابتدایی فعال در کشور

۴۷ هزار شغل برای مددجویان

بررسی طرح بهزیستی برای اشتغال مددجویان

جامعه امروز

محمد سرایی روزنامه نگار | اگرچه شرایط اقتصادی دشوار است و شنیده می‌شود بعضی از واحدهای صنعتی و تولیدی تعدیل نیرو داشته‌اند اما خبرهای خوب هم از راه می‌رسند؛ مثل اینکه برخی برنامه‌های حمایتی توانسته روند امیدبخش را در زمینه اشتغال زایی در کشور برعهده بگیرد. اگرچه شرایط کاری در واحدهای صنعتی دشوار است، امید برای داشتن حرفه و کسب درآمد هنوز وجود دارد. در گفت‌وگو با رئیس مرکز توسعه کار آفرینی، اشتغال و توانمندسازی بهزیستی با همشهری، مشخص شد که طرح سازمان بهزیستی برای اشتغال مددجویان باعث ایجاد شغل برای ۴۷ هزار نفر در مدت یک سال شده است. بیشتر این افراد معلولان، زنان سرپرست خانوار، بهبود یافتگان اعتیاد و فرزندان ترخیص شده از مراکز شبه خانواد هستند.

برتری اشتغال زنان

«۵۱ درصد شغل‌های ایجاد شده به بانوان اختصاص داشته است». آرزو ذکایی فر، رئیس مرکز توسعه کار آفرینی، اشتغال و توانمندسازی سازمان بهزیستی کشور درباره کار آفرینی بهزیستی به همشهری می‌گوید: «در سال گذشته تعداد تعهد ایجاد شغل سازمان بهزیستی ۴۷۰۰۰ نفر بود که سازمان موفق به ایجاد ۴۷۰۰۰ فرصت شغلی برای افراد دارای معلولیت، بانوان سرپرست خانوار و فرزندان مستقل سازمان شد». به گفته او، از میان این مشاغل، ۴۰ درصد در روستاها و ۶ درصد در شهرها ایجاد شدند و رسته‌های خدماتی، کشاورزی و صنعتی بیشترین دستبندی مشاغل بودند.

کارگاه‌های متفاوت، اهداف مشترک

با چند دستگاه چرخ خیاطی می‌توان یک کارگاه کوچک راه اندازی کرد. هدف اصلی اشتغال برای جامعه مددجویان «خود اشتغالی» و «توانمندسازی» است؛ به شکلی که بتوانند پس از مدتی به صورت مستقل به کار بپردازند و از فهرست مستمری بگیر خارج شوند؛ در غیر این صورت مددجو همیشه وابسته باقی می‌ماند. کارگاه‌های تولید پوشاک یک نمونه از این فعالیت‌ها هستند که تسهیلات بهزیستی زمینه ایجاد و فعالیت آنها را به گروهی از مددجویان مانند زنان سرپرست خانوار آموزش می‌دهند و وام‌ها و مجوزهای لازم را به دست می‌آورند. بعضی از این مددجویان پس از مدتی خود کارفرما می‌شوند و دیگر مددجویان را جذب می‌کنند. کارگاه‌های نجاری و سفالگری و خدماتی مانند آرایشگری هم از این گروه هستند.

یا کار یا سرمایه کار

برای آغاز یک حرفه باید هم مهارت حرفه‌ای داشت و هم سرمایه اولیه. مؤثرترین زمینه اشتغال دائمی مددجویان از گردهم آمدن و همکاری آنها با یکدیگر ایجاد می‌شود. یکی از الگوهای خود اشتغالی بهزیستی، ایجاد گروه‌های کسب و کار همچون گروه‌های همیار بانوان سرپرست خانوار و صندوق‌های خرد مالی هستند؛ گروه‌هایی که علاوه بر کسب و کار، مهارت‌های فردی و اجتماعی لازم در بازار کار را هم می‌آموزند. تسهیلات شغلی نیز در فرایند اجرایی مرحله به مرحله مددجویان را همراهی می‌کنند. اکنون ۷۰۰ گروه همیار زنان سرپرست خانوار با جمعیتی حدود ۳۵۰۰ نفر در استان‌های مختلف فعال هستند. این گروه‌ها با وام‌های اولیه محل کارگاه و تجهیزات لازم از تهیه و کار خود را شروع می‌کنند تا به تدریج به سوددهی برسند. به گفته سیدجواد حسینی، رئیس سازمان بهزیستی در سال گذشته ۲۵۰ تعاونی مددجویی تشکیل شده است.

فرصت‌های شغلی ایجاد شده در یک سال گذشته توسط مرکز توسعه کار آفرینی اشتغال و توانمندسازی سازمان بهزیستی کشور

۴۷،۷۲۸ فرصت شغلی  
۲۹،۱۱۴ در بخش شهری  
۱۸،۶۱۴ در بخش روستایی

شاغلان  
۲۵،۷۷۳ زنان  
۲۱،۹۵۵ مردان

گروه‌ها  
۴۱۱ گروه کسب و کار در قالب تأمین مالی خرد  
۱۶۰ گروه همیار زنان سرپرست خانوار  
۲۰۰۰ دریافت سرمایه کار بلاعوض

جامعه هدف بهزیستی بیشتر شامل مددجویان تحت پوشش این سازمان است

- افراد دارای معلولیت
- زنان سرپرست خانوار
- خانواده‌های آسیب‌های اجتماعی و اعتیاد
- بهبود یافتگان دارای فرزند چندقلو
- فرزندان ترخیص شده از مراکز شبه خانواد
- اعضای مؤثر خانواده مددجویان



عکس همشهری امروز

صفحه ۱ از ۱ مهدی سلای



این سقف کجا و آن سقف کجا؟

در سفر ترامپ و مسئولان آمریکایی به چین، تصاویر و عکس‌های مختلفی در رسانه‌ها مورد توجه قرار گرفت. یکی از این تصاویر مربوط به لفظی بود که مارکو رابینو، وزیر امور خارجه

مجدوب دکور سقف «تالار بزرگ خلق» شد. سقف این تالار معروف با طراحی بسیار عظیم، لوستر مرکزی ستاره‌ای و معماری نمادین دوره مانو آراسته شده است اما ایرانی‌های نکته‌سنج،



جادوی قصه

درباره حمزه خوشبخت، قصه‌گوی جوان بندرعباسی که در روزهای جنگ و صلح برای بچه‌های ایران قصه می‌گوید

گزارش

سحر جعفریان عصر روزنامه نگار | ساعت حدود ۱۰ صبح است و حمزه با ته‌لجه بندری‌اش، شروع کرده به قصه‌گویی. قصه «پنگوئن که سردش بود» را می‌گوید: «یکی بود، یکی نبود. خدای بود و بی‌کرائی مثل دریا... در نیایی سرد، اون بالای کره زمین... صدایش در بخش «خون و آنکولوژی» بیمارستان کودکان مفید پیچید؛ درست مثل آنتی‌متابولیت‌ها، استروئیدها و دیگر داروهای شیمی‌درمانی که همان وقت در حال پیچیدن توی آن آرتین، ارسلان، حسین، ایلیا و محمد معین بودند؛ برای جواب کردن سلول‌های سرطانی. کمی که می‌گذرد انگار در دایز یاد بچه‌های قد و نیم قد بخش و غصه از دل پدرها و مادرهایشان می‌رود و قصه جاب‌جای می‌کند در فکر و خیالشان. این شاید هزار و یکمین رویداد قصه‌گویی حمزه خوشبخت، قصه‌گوی ۳۵ ساله بندرعباسی باشد که از سال ۱۳۹۸ تاکنون به بیش از ۵۰۰ شهر و روستا (کتابخانه، کتابفروشی، شهر کتاب و مهد کودک) سفر کرده تا برای بچه‌های ایران قصه بخواند و حتی در روزهای جنگ تحمیلی سوم نیز از قصه‌گویی برای بچه‌ها دست نکشید.

وقتی قصه، کار شیمی درمانی را می‌کند

نه پارک است و نه جای تفریحی دیگر، اینجا بیمارستان کودکان مفید است که تا شش‌هفت‌متری آن کودکان همراه پدر و مادرهایشان در رفت‌وآمدند. وجه اشتراکشان به غیر از آن درد که به استخوان رسیده، کیسه‌های پر از خوراکی و اسباب‌بازی و ساک‌های مسافرتی است که گواه راه دور بعضی‌شان است. در بخش‌ها نیز نماها از همین قرارند؛ کودکانی گریان و ترسیده، مادرانی رنگ‌پریده، پدرانی نگران؛ هر چند که نقاشی‌های رنگارنگ روی دیوار راه‌روها و اتاق‌ها در تلاشند تا اوضاع را شاد یا دست کم، آرام نشان دهند. «پنگوئن‌ها به لبه کوه یخ رفتند، جایی که یخ به دریا می‌رسید.» این را حمزه، آهنگین می‌گوید و نگاهش را به قسمت‌هایی مساوی، بخش می‌کند بین همه بچه‌هایی که در اتاق «نسترن»، کم‌کم و کرخت روی تخت خود دراز کشیده‌اند. اینجا، اتاق‌ها به اسم گل‌ها تابلو کوبی شده‌اند: آکیده، ترنگ، یاس و گل‌های دیگر که بعضی‌شان پسوندی‌ای بی‌نیز دارند. قسمت بیشتر نگاه حمزه اما می‌رسد به مهیار که ریز و ناز است و مانند بسیاری از کودکان این بخش، نمی‌تواند موهای سرش ریخته و باقی، نازک و پراکنده‌اند. او کمی پیش‌تر، پذیرش شده و حالا با کمک مادرش سعی دارد روی تخت کنار پنجره جاگیر شود. هم‌زمان، گوش سپرده به قصه پنگوئن کوچولو و بی‌خبر از قصه تخت کنار پنجره که چند روز قبل، طهارویش جان داد.

قصه آنژیوبکت‌های بدون درد و خونریزی

خوب می‌داند چطور قصه را با آواز با بازی در اوج نکه دارد. روینگ‌ری را از پدرش و خالواسماعیل (دایی‌اش) یاد گرفته... او وقتی ۶-۷ سالش بود و جمع شاهنامه‌خوانی شبهای تازبان (زادگانش در بندرعباس)، پای جای و آتش، کنار سبزه‌ها (سایه‌بان کلیه به گوش هر مزگان) را به فوتبال و هیجان هواداری‌های دو آتشیه، ترجیح داد. حمزه، قصه را به «میلو باقیه پنگوئن‌ها» داشت... دلش می‌خواست آفتاب بگیره و شیرجه بزنه توی آب گرم... می‌رسند و صدای گریه و ناله بچه‌ها از درد و تب و زک‌گیری برای آنژیوبکت کم و کمتر می‌شود. بیشتر، حواسشان به حمزه است که با دل و جان روایت می‌گوید؛ حتی بنینا کوچولو ۴ ساله که چند دقیقه قبل، از سر می‌که به دستش وصل کرده بودند حسایی بی‌قرار بود و پدرش، ناچار او را در آغوش می‌چرخاند تا آرام بگیرد. پرستاران نیز گاهی از درگاه اتاقی که حمزه در آن قصه‌گویی می‌کند، سر می‌کنند. قصه که به نیمه می‌رسد، مادر یکی از بچه‌ها، تلفن همراه خود را به گوشش می‌چسباند و در حالی که می‌گوید «فرون‌ها! به پلته‌ها... شکر خدا...» از اتاق بیرون می‌رود. پشت‌بندش، پدر یکی دیگر از بچه‌ها با کیسهای پر از تنقلات و خوراکی وارد می‌شود اما بچه‌ها فقط چشم و گوش دوخته‌اند به حمزه که می‌گوید: «میلو توی این سفر عجیب و غریب، داشت چیزی تازه کشف می‌کرده؛ مثل گرما، دوستی...»

قصه‌های خالواسماعیل و سازهای عام‌القیر

حمزه، قصه را صفحه به صفحه پیش می‌برد و بعضی تصاویر کتاب را نیز نشان بچه‌ها می‌دهد. ارسلان که دستمال به سر بسته و تیله چشم‌هایش به گودی نشسته، می‌پرسد: «عمو میلو کجاست این همه از خونه‌اش دور شد؟» حمزه که اضطراب جدایی در کودکان را می‌شناسد، دستی به گونه‌های آب‌شده ارسلان می‌کشد و می‌گوید: «دور شد ولی به عالمه چیزی جدید کشف کرده بود که با کمکشون می‌تونست دوباره برگرد خونه.» با این سؤال و دلوایسی طبیعی ارسلان، قصه‌گوی بندرعباسی انگار برت شد به گذشته و به کودکی خودش که بدون تلویزیون سپری شده بود: «اون وقتا تلویزیون نداشتیم و کشفای من با نقل و داستانی که از بابام و خالو می‌شنیدم، اتفاق می‌افتاد... البته عام‌القیر که هر وقت شب و روز از خونه‌شون صدای سازی بندری می‌اومد؛ پیپه، دهل، کبیر و نی آنبان. آنقدر پر و با عشق سازی می‌زد که آدم فکر می‌کرد به جماعت نوازنده ضرب گرفتن.» از همان شد که قصه‌گویی را با آواز، کوک کرد: «فوتبالم خوب نبود و برای جبران، عصرها بچه‌ها رو جمع می‌کردم و برانشون قصه می‌گفتم. ۱۳ یا ۱۴ سالگی هم شروع کردم به داستان‌نویسی.» قصه پنگوئن داشت به سر می‌رسید و حمزه دلش نبود رویداد تمام شود.



عکس همشهری امروز